

حق آزادی انسان در انتخاب شغل

(ولست أرى أن أجبر أحداً على عمل يكرهه) :
من عقیده ندارم کسی را به کاری که دوست ندارد و ادا نمی‌آید و به
کار اجباری بگذارم . علی (ع)

هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند .

تردیدی نیست در اینکه افراد بشر با سلیقه‌ها و استعدادهای گوناگونی آفریده شده‌اند به این معنی: (هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند، مهر او را در دلش انداخته‌اند) با اصطلاح (هرسری را ذوقی است خوشبخت کسی است که که ذوقش را در پند) روی همین اصل، یکی علاقه‌ی به تحصیل دارد و دیگری ذوق کار سومی ذوق هنر و صنعت و همچنین ..

برای اینکه استعدادها شکوفا شود و افراد بتوانند مطابق ذوق خود شغلی را انتخاب کنند، نباید در جامعه چیزی مانع نمو و تکامل تجلی شخصیت افراد باشد ، چون افراد متنوعند و همه را در يك قالب نمی‌توان ریخت و ریختن همه در يك قالب نابود کردن شخصیت آنهاست و لذا باید در جامعه آزادی باشد تا افراد فرصت داشته باشند، متنوع شوند و استعدادهای خود را بروز دهند و این آزادی شرط اساسی پیشرفت تمدن و فرهنگ است .

اگر همه افراد را به‌زور در يك قالب بریزیم و آزادی انتخاب شغل را از آنها بگیریم نتیجه آن بزمرد شدن فردیت و تپاه شدن استقلال و قالبی شدن فکر و سخن و انحطاط فرهنگ است. گناه اساسی دستگاه تربیتی جدید که استعمارگران غرب بر ما تحمیل کرده‌اند همین است زیرا تاکنون سیستم تربیتی ما طوری بود که به استعداد افراد توجهی نمیشد ، در حالیکه در

کشورهای مترقی جهان، قبل از استعداد کودکان را می‌سنجند تا بدانند در کدام رشته و در کدام کار امید مولفیت بیشتری دارند و بهتر به درد جامعه می‌خورند.

مثلاً: کودکان را بدون اطلاع قلبی، وارد محلی می‌کنند که در آنجا مقداری روزنامه و کتاب، و مقداری گل و گیاه و چند لقمه تابلونقاهی و چند عدد سنگهای معدنی و مقداری لوازم و ابزار مکانیکی و چیزهای دیگر در جاهای مختلف به ترتیب مخصوصی قرار داده‌اند هر کسبکه مستقیماً متوجه روزنامه و کتاب میشود، معلوم می‌گردد که شایستگی مطالعه در امور اقتصادی و سیاسی را دارد، آنکه متوجه گل و گیاه شد، معلوم میشود ذوق زراعت و کشاورزی را دارد و آن کودکی که متوجه تابلوهای نقاشی شود، معلوم می‌گردد که به نقاشی و کارهای هنری علاقمند است و همچنین آنکه متوجه سنگهای معدنی شود معلوم است که ذوق زمین‌شناسی دارد، و آنکه ابزار مکانیکی نظر او را جلب کند، معلوم میشود که رغبت و شوق به امور مکانیکی دارد.

می‌گویند: فرهنگ مشاغل بعضی از کشورهای بزرگ غربی، بالغ بر بیست و دو هزار شغل را نام می‌برد (۱) و البته علت تنوع و کثرت مشاغل آنست که: استعدادهای علمی و عملی بشر به هزاران صورت گوناگون می‌تواند تجلی نماید.

آری آزادی، منشأ فعالیت انسانهاست، شکوفائی استعدادها و نیروهائی که در وجود انسان نهفته است بوسیله آزادی میسر است تمام رونق‌های اجتماعی، اختراعات، استکرا، شکوفائی اندیشه‌ها، همگی در سایه فعالیت‌های آزاد افراد انسانی به جامعه عرضه میشود.

آزادی انتخاب شغل در اسلام

در اسلام هر چند در این باره بحث مشخصی در کتب معتبر اسلامی، به چشم نمی‌خورد ولی وقتی به سندی بر می‌خوریم که می‌گوید: (الناس کلهم احرار الا من اقر علی نفسه بالعبودية) (۲) مردم همه آزادند مگر کسانی که به بندگی خود را ران نموده‌و تن به بستی و خواری داده‌اند. بادر سند دیگری می‌گوید: (لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً) (۳) بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد آفریده است. بادر آنجا که در سند دیگری می‌فرماید: آن که بیکن لکم دینا فکونوا احراراً لذینا کم) اگر به دینی عیبیده ندارید در زندگی دنیوی خود احرار و آزادگان باشید. آیا اینها دعوت به آزادی و آزادگی نیست گرایش به آزادی از مرز فکر انسان هم گذشته و به قلمرو غریزه او وارد شده است از اعماق غریزه انسان

(۱) کتاب روح بشر ۱/۱۲۳

(۲) وسائل چس ۲۴۳/

(۳) نهج البلاغه فیض الاسلام / ۹۲۰

فریاد آزادی بلند است . (۴)

برنامه‌های تربیتی و فرهنگی اسلام، کاملاً آزادمنشانه است و هدف آن پرورش تربیت انسان آگاه ، آزاد ، مستقل و دلیراست . تعلیمات تربیتی اسلام طوری است که انسان را به آزادی ، مناعت طبع و عزت نفس سوق میدهد .

در اسلام انسان در انتخاب شغل در رشته تحصیلی کاملاً آزاد است حتی پدر و مادر هم نباید افکار و عقاید خود را به فرزند خود تحمیل کنند . بسیاری از پدران و مادران هستند بر اثر انس و الفت به شغل خود، دوست میدارند فرزندان شان جانشین آنها بشوند و نام آنها و نام حرفه آنها را همواره بر سر زبانها نگاه دارند .

(علی) (ع) از اینگونه تربیت تحمیلی انتقاد کرده و لزوم توجه به کیفیت تغییر زمان را گوشزد نموده است آنجا که فرموده :

الاتقروا اولادکم علی آدابکم ، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم (۵)
فرزندان خود را به اصول و آداب خودتان مجبور نسازید زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند .

سوگندنامه هنوز هم در بیشتر خانواده‌ها ، هدف تربیت را پدر و مادر مطابق ذوق و سلیقه خود برای فرزندان خویش تعیین میکند و هرگز به ذوق و استعداد آنان توجه نمی‌کند

* * *

سلب آزادی از طبقه کارگر در جهان کمونیسم

در کشورهای کمونیستی که به غلط خود را طرفدار کارگر قلمداد می‌کنند، طبقه کارگر محرومترین طبقات است که در نهایت ناراحتی و محدودیت بسر میبرد و از خود هیچگونه اختیاری ندارد و مقدرات او در دست حزب کمونیست قرار دارد و شدت تساوت افراد نسبت به آنها از قوانینی که درباره طبقه کارگر وضع نموده‌اند ، معلوم میشود .

در دستور بکه در ۱۱ اکتبر سال ۱۹۳۰ صادر شده تصریح گردیده است که : کارگر هر کاری در هر منطقه‌ای برایش تعیین شود مجبور است بدون چون و چرا بپذیرد و در دستور ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۳۰ و دستور ۹ اکتبر ۱۹۳۰ و ۱۰ اگس سال ۱۹۳۰ تصریح شده که اگر بعمل خودش ، کارش را رها کند فراری شناخته میشود و به ده سال کار اجباری در اردوگاه محکوم میگردد و در قانون اساسی حزب که در ۲۶ یونیو سال ۱۹۴۰ به تصویب رسیده ، تصریح شده است که مدیرعامل کارگاهها حق دارند ، کارگرا برای مدت چهارماه بدون

(۴) حقوق اسلام : ر ۲۰۱

(۵) نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ر ۲۶۷

محاكمه و تحقیق به حبس محکوم نمایند . (۶)
 آیا با توجه به این قوانین ظالمانه ، میتوان گفت در کشورهای کمونیستی آزادی وجود
 دارد و طبقه کارگر سعادت مند و خوشبخت می باشد ؟

اسلام و تحمیل کار ؟

در اسلام در انتخاب شغل همه آزادند و کسی حق ندارد ، فکر خود را به دیگری تحمیل
 کند ، و در خواسته های او دخالت نموده و یا به کاری مجبورش کند ، زیرا تحمیل کار اجباری
 کار ظالمانه است و با حق آزادی کار و انتخاب شغل منافات دارد و کاملاً مباین با شرف و عزت
 انسانی است و لذا اسلام باشد تمام با این بیدادگری مبارزه کرده است در زمان خلافت علی
 (ع) مردم یکی از شهرها بحضور آن حضرت آمدند و معروض داشتند در سرزمین ما آثار نهری
 هست که گذشت زمان و حوادث روزگار مجرای آن را بهم ریخته و ما را از فوائد آن محروم
 ساخته است چنانچه آن نهر دوباره پاکسازی شود ، در آبادی شهر ما فوق العاده مؤثر
 خواهد بود .

سپس از آن حضرت خواستند به فرماندار آنجا فرمان دهد تا همه مردم آن شهر را به بیگاری
 وادارد و بفرمان نهر ، بگمارد . امیر مومنان علی (ع) چون سخن آنان را شنید نسبت تجدید
 حفیر نهر اظهار علاقه نمود و ای با موضوع بیگاری و کار اجباری با آنکه مورد تقاضای خودشان
 بود موافقت ننمود و نامه ای به این مضمون به حاکم و فرماندار آنجا نوشت :

گروهی از حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و گفتند که آنان را نهری است که خراب و
 متروک شده است . و اگر اهالی آنجا آن نهر را حفر و استخراج نمایند سرزمینهاشان آباد خواهد
 شد و قادر به پرداخت همگی خراج خواهند گردید و در نتیجه درآمد مسلمانان از ناحیه آنان
 افزایش خواهد یافت ، اینان را بکندن نهر و تأمین هزینه آن مجبور سازی . (وگستاری آن
 اجبر احدی علی عمل بکرهه .)

(من عقیده ندارم که کسی را بکاری که دوست ندارد وادارم و به کار اجباری بگمارم)
 بنابراین ، مردم آن آبادی را نزد خود بطلب تا اگر کار نهر بر آنگونه باشد که آنان وصف
 کرده اند ، هر کدام از آنان را که بطیب خاطر مایل بکار باشد بکار بگمار . ولی چون نهر ساخته
 شود متعلق به کسانی خواهد بود که در تجدید آن کار کرده و زحمت کشیده اند ، نه آن کسانی
 که از کار ، خود داری کرده اند . (۷)

دقت در این فرمان نشان میدهد که امیر مومنان در این فرمان دو اصل مهم از اصول
 کار و کاری را پایه گذاری نموده است که یکی از آنها حق آزادی و خود مختاری کارگر است

(۶) سیستم سیاسی اسلام ۱۴۷ - ۱۴۸

(۷) کتاب عدالت و قضا در اسلام صفحه ۷۷ - ۷۸

و دیگری تخصیص درآمد به طبقه کارگر می باشد. این دو اصل از اصول مهم عدالت اجتماعی و اقتصادی است که ترنهایش از آنکه اقتصاد دانان و حقوقدانان به آن توجه کنند مسود توجه اسلام بوده است. در اسلام افرادی که در انتخاب شغل کاملاً آزاد هستند بلکه مالک دسترنج خود نیز بوده و در کیفیت تصرف آن نیز آزاد می باشند.

خلاصه در نظام اسلامی هر انسانی آزاد است از راههای مشروع و قانونی کسب ثروت نماید. دولت اسلامی هیچ مقامی حق ندارد انسانی را از بدست آوردن مال حلال منع نماید و حق ندارد کسی را از کسب و کار منع کند مگر آنکه آنچه که اسلام حرام کرده باشد مانند: ربا و قمار، ساخت و خرید و فروش شراب و غیره.

بنابراین هر کس در انتخاب کار و کسب آزاد است.

هر کارفرمایی در انتخاب کارگران خود آزاد است.

هر صاحب زمینی در انتخاب کشاورز آزاد است.

و هر کشاورزی و کارگری در قبول کار از هر کارفرمایی آزاد است.

و هر یک از کارفرما و کارگر و کشاورز و مالک حق ندارد دیگری را بر چیزی منجور

گرداند، بلکه ساعات کار و مزد یا مقدار کار و اجرت و شرایط دیگر با رضایت طرفین در قرار

داد ذکر میگردد و عمل به مفاد قرارداد به طرفین لازم و واجب است.

بقیه از صفحه ۲۳

امام (ع) فرمود: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كُلُّ مَنْ طَرَّقَ رَجُلًا بِاللَّيْلِ فَأَخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ لَمْ يَمُوتْ طَابَتْ لَهُ الْآلُ وَبِهِمُ الْبَيْتَةُ إِنَّهُ قَدْ رَدَّ إِلَى مَنْزِلِهِ... »*

سپس با اشاره به یکی از دو نفر گفت: *بِئْسَ هَذَا وَأَضْرَبْتُ عَنْكَ...* گردن او را بزن

او گفت ای فرزند پیامبر، بخدا قسم من او را نکشتم بلکه فقط نگاهداشتم و این ناگهان

آمد و او را کشت، امام فرمود: *بِئْسَ هَذَا وَأَضْرَبْتُ عَنْكَ...*

اولی گفت: یاین رسول الله من او را شکنجه نکردم و فقط بایک ضربت او را بقتل رساندم.

امام (ع) به برادر مفتول گفت: تا از قاتل قصاص کنی و آن دیگری را بچسبانی محکوم

کرد و مقروض داشت هر سال ۵۰ تازیانه هم باورده شود...

بشخصی اینگونه احکام در فقه اسلامی میتواند نقش سازنده ای در روابط اخلاقی و

اجتماعی و حقوقی و سیاسی ملت‌ها داشته و میتوان آن را در دعوت‌های خصوصی و عمومی،

داخلی و خارجی و دعوت‌های سیاسی دولتی از افراد و دولت دیگر، تعمیم داد و آنان را در چنین

موارد مسئول و ضامن دانست...

